

2904

۳۰۰
۱
نقش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ

نقش

حکمت و سیاست سلیمان نبی و ملکه سبا

در پیشگیری از وقوع جنگی ویرانگر به استناد آیات قرآن

سید محمد سعید محمدی



نشر مجمع ذخائر اسلامی

۱۳۹۸ هـ ش / ۲۰۱۹ م

سرشناسه : محمدی، سید محمدسعید، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور : نقش حکمت و سیاست سلیمان نبی و ملکه سبا در پیشگیری از وقوع جنگی
ویرانگر به استناد آیات قرآن/سید محمدسعید محمدی.
مشخصات نشر : قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۶۰ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۱۷۳-۷-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت : کتابنامه:ص.۶۰.
موضوع : سلیمان، پیامبر
موضوع : Solomon, King of Israel
موضوع : بلقیس، ملکه سبا
رده بندی کنگره : BP : ۱۳۹۸ ۷ن۳/۵/۸۸
رده بندی دیویی : ۱۵۶/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۳۳۹۹۵

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَا تَعْلَمُونَ أَنَّهُ يُرْسِلُ الرِّيحَ

www.ketabo.ir

کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه یا چاپ تمام یا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام یا بخشی از آنها در ضمن پانتهای اطلاعاتی و تهیه برنامه‌های رایانه‌ای یا استفاده مطالب و تصاویر در اینترنت و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، ممنوع می‌باشد.

© 2019 MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH,

All rights reserved, No part of this book may be reproduced or translated in any form, by print, internet, photo print, microfilm, CDs or any other means without written permission from the publisher



مجمع ذخائر اسلامی - قم، ایران

نقش حکمت و سیاست

سلیمان نبی و ملکه سبا

در پیشگیری از وقوع جنگی ویرانگر به استناد آیات قرآن

چاپ: هوشنگی / صحافی: نفیس

شتر: مجمع ذخائر اسلامی - قم

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸ ش (۲۰۱۹ م)

شمارگان: ۳۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۱۷۳-۷

ارتباط با ناشر

ایران، قم، خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۳ - فرعی اول - بلوک ۴ - مجمع ذخائر اسلامی

تلفن: ۰۹۱۲ ۲۵۱ ۴۳۳۵ همراه +۹۸ ۲۵۳ ۷۷۰ ۱۱۱۹ دورنگار: +۹۸ ۲۵۳ ۷۷۱۳ ۷۴۰

نشانی پایگاههای اینترنتی:

www.zakhair.net

www.mzi.ir

info@zakhair.net

info@mzi.ir

فهرست مطالب

۶	مقدمه
۶	پیشینه تحقیق درباره سلیمان و ملکه سبا
۷	داستان سرزمین و ملکه سبا
۸	داستان ملکه سبا و سلیمان نبی در منابع یهودی و مسیحی
۱۰	داستان ملکه سبا و سلیمان نبی در قرآن
۱۵	پرسشهای تفسیری و شبهات مربوط به داستان سلیمان و ملکه سبا
۱۷	فصل اول: ویژگیهای شخصیتی و سیاسی ملکه سبا
۱۷	۱- شکوه قصرهای شیدا و عرشهای عظیم
۲۰	۲- کریم شمردن نامه سلیمان نبی توسط ملکه سبا
۲۲	۳- شیوه حکومتداری و سیاستمداری ملکه سبا
۲۷	۴- عواقب و عوارض جنگ، بر کشور و مردم
۲۹	۵- هدایای ملکه سبا و شناخت سلیمان نبی
۳۵	فصل دوم: سلیمان؛ پیامبری خاشع و پادشاهی مقتدر
۳۵	۱- اصل مشترک دعوت پیامبران به خداپرستی
۴۱	۳- تهدیدهای هدفدار سلیمان نبی
۴۵	۴- معجزات سلیمان برای هدایت قوم سبا
۵۰	۵- اذعان پیامبران به فضل الهی و یادآوری علم و قدرت و نعمتهای خداوند
۵۴	نتیجه گیری
۶۰	منابع

مقدمه:

برای بررسی موضوع « نقش حکمت و سیاست سلیمان نبی و ملکه سبا در پیشگیری از وقوع جنگی ویرانگر به استناد آیات قرآن» ابتدا به داستان سرزمین و ملکه سبا و سپس دیدگاه منابع یهودی و مسیحی در مورد داستان بلقیس و سلیمان می پردازیم. و در بخش دیگر، داستان ملکه سبا و سلیمان نبی در سوره نمل را بطور کامل مرور می کنیم و از همانجا به اصل موضوع مورد بحث از منظر قرآن کریم خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق درباره سلیمان و ملکه سبا

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که در مورد داستان ملکه سبا و حکومت و اشنایی او با سلیمان نبی کتابهای زیادی نوشته شده ولی غالباً به قصد قصه پردازی با استفاده از منابع تاریخی و ادبی و گاه افسانه ای بوده و گاهی نیز در مقالاتی به موضوع بلقیس در قالب داستان سلیمان نبی در منابع یهودی و مسیحی و به قصد نمایش با قرآن اشاره شده و کمتر به جزئیات کاربردی پرداخته شده، در این میان مقاله "داستان سلیمان و بلقیس و استناد به آن در جهاد ابتدایی" سید محمدعلی ایازی ضمن پاسخ به چند سوال کلیدی در نحوه تعامل سلیمان و بلقیس به دیدگاههای قابل توجهی می رسد که ما نیز در این بحث از آن بهره خواهیم برد.

داستان سرزمین و ملکه سبا

خداوند در باره قوم سبا می فرماید:

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ
وَشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ^۱

برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه‌ای از قدرت الهی بود، دو باغ بزرگ و گسترده از راست و چپ، رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان؛ و به آنها گفتیم که از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری است آمرزنده و مهربان

سبأ منطقه‌ای است سرسبز و خرم در سرزمین یمن که شهر مأرب در آن قرار دارد. این سرزمین محل سکونت فرزندان سبأ بن یشجب بن یعرب بن قحطان بود، و به این جهت سبأ نامیده شد.^۲

سرزمین سبأ، مرکز بازرگانی مهمی بوده و تمدن سبا بر پایه کشاورزی و تجارت بود و بازرگانان آنها با عبرانیان و دیگر سرزمینها داد و ستد داشته اند و به ثروت و ذخایر طلا مشهور بوده است بگونه‌ای که شهرت رونق اقتصادی آن در مشرق زمین پیچیده بود.^۳

بلقیس از قبیله حمیر و دخترهداد بن شراحیل بن ذی حنن بن السیرح بن الحرث بن قیس بن صیفی بن سبأ بن یشجب بن یعرب بن قحطان بود و از نسل سام

۱. آیه ۱۵ سوره سبا

۲. یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۸۱

۳. داتره المعارف فارسی، ج ۱، ص ۸۲-۳۸۱

بن نوح که او را یلقمه نیز نامیده‌اند.^۱

او زنی یمنی و از اهالی مَآرِب بود که پس از پدرش بر مَآرِب حکومت می‌کرد ولی چون یکی از حاکمان منطقه برای تسخیر مَآرِب حمله کرد، بلقیس با حيله و کودتا و بدون اینکه جنگی رخ دهد، او را شکست داد و با کشته شدن او بلقیس تمام یمن را تحت سیطره خود گرفت و سبا را پایتخت خود قرار داد.^۲ بلقیس که تحت تعالیم حکومت و سیاست پدر تربیت شده و دارای ذکاوت و کیاست خاصی بود، حال تجربه نجات کشور از حمله دشمن آنهم با نقشه هوشمندانه و بدون جنگ را هم دارد لذا خواهیم دید که در مواجهه با تهدید سلیمان به حمله، چگونه با حکمت و سیاست یکبار دیگر سرزمینش را از شر جنگ و خونریزی می‌رهاند.

داستان ملکه سبا و سلیمان نبی در منابع یهودی و مسیحی

در تورات در اول ملوک و دوم تاریخ دوباره داستان ملکه سبا و سفرش به سرزمین سلیمان چنین آمده است.

"ملکه سبا از شهرت سلیمان پادشاه باخبر شد و به اورشلیم سفر کرد تا با پرسش های دشوار، او را بیازماید. ملکه سبا با گروه بزرگی از همراهان و همچنین شترهایی با بار ادویه، جواهرات و مقدار زیادی طلا به اورشلیم آمد. هنگامی که به نزد سلیمان رسید هر آنچه در اندیشه او بود، با وی در میان نهاد. سلیمان به همه پرسش های وی پاسخ داد. هیچ چیز از پادشاه پوشیده نبود که نتواند پاسخ دهد. ملکه سبا هنگامی که دانش سلیمان و کاخ زیبا و غذای شاهانه،

۱. الأنساب، ج ۱، ص ۱۸۲

۲. داستان داود و سلیمان، ص: ۲۷-۲۸

تشریفات درباریان و مقامات، خدمت منظم خدمتکاران و ساقیان را دید، شگفت زده شد. او به سلیمان گفت:

«هرآنچه در سرزمین خود در مورد کارهای شما و دانش شما شنیده بودم، درست بود. اما تا من با چشم های خود ندیدم، گزارشها را باور نداشتم. اما من حتی نمی از آن را هم شنیده بودم. دانش و ثروت شما بیش از آن است که به من گفته بودند. خدای شما را ستایش می کنم که از تو خشنود بود و تو را بر تخت سلطنت اسرائیل نشانید.»

ملکه سبا هدایای خود را به سلیمان پادشاه تقدیم کرد که شامل این موارد می شد: معادل پنج تن طلا و سنگ های گرانبها و مقدار زیادی ادویه به اندازه ای که او هرگز دریافت نکرده بود.

سلیمان پادشاه، هرآنچه ملکه سبا خواسته بود به او داد، به اضافه هدایای که سلیمان با سخاوتمندی به او بخشید. آن گاه ملکه سبا و همراهانش به سرزمین خود بازگشتند.^۱

انجیل لوقا نیز چنین به ملکه سبا، اشاره کرده است:

"در روز داوری ملکه سبا برخواهد خاست و مردم این دوره و زمانه را محکوم خواهد ساخت. زیرا او با زحمت فراوان راهی دراز را پیمود تا بتواند سخنان حکیمانه سلیمان را بشنود اما شخصی برتر از سلیمان در اینجاست و چه کم هستند آتانی که به او توجه می کنند."

داستان ملکه سبا و سلیمان نبی در قرآن

داستان سلیمان نبی و ملکه سبا در آیات ۲۰ الی ۴۴ سوره نمل آمده است که متن و ترجمه آیات مذکور را مرور می‌کنیم: ^۱ تا نمای کلی از قصه حقیقی سلیمان و ملکه سبا بر ایمان روشن شود و در بررسیهای بعدی، از این آیات بسیار مدد خواهیم گرفت.

وَتَقَفَّطُ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (۲۰)

سلیمان (از میان سپاه خود) جوئیای حال مرغان شد (هدهد را در مجمع مرغان نیافت، پسر رئیس مرغان) گفت: هدهد کجا شد که به حضور نمی‌بینمش؟ بلکه (بی‌اجازتی من) غیب کرده است؟

لَأَعَذِّبَنَّكَ عَذَابًا شَدِيدًا أَمْ لَدَّبَّبْتَهُ أَوْ لِيَأْتِيَنَّكَ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ (۲۱)

چنانچه بدون عذر بپرخصت غایب شده) همانا او را به عذابی سخت معذب گردانم یا آن‌که سرش از تن جدا کنم یا که (برای غیبتش) دلیلی روشن (و عذری صحیح) بیاورد.

فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَكَ تَحَلُّ بِهٖ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ

يَقِينٍ (۲۲)

پس از اندک مکثی هدهد حاضر شد و گفت: من با خبری که تو از آن (در جهان) آگاه نشده‌ای خبر یافتم و از ملک سبا تو را خبری راست و مهم آوردم.

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۳)

همانا (در آن ملک) زنی را یافتم که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و به آن زن هر گونه دولت و نعمت (و زینت امور دنیوی) عطا شده بود و (علاوه بر این‌ها)

۱. ترجمه مهدی محبی‌الدین الهی قمشاهی (۱۲۸۰-۱۳۵۲ش)

تخت با عظمتی داشت.

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ
أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴)

آن زن را با تمام رعیتش یافتم که به جای خدا خورشید را می پرستیدند و شیطان اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده و آن‌ها را به کلی از راه خدا باز داشته و آن‌ها هم به حق راه یافته نیستند.

أَلَا يَسْجُدُونَ لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا
تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۲۵)

تا خدای را که (خور او) در آسمان و زمین هر پنهان (در ظلمت عدم) را به عرصه‌ی ظهور آورد و پنهان و آشکار شما آگاه است پرستش نکنند.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَلِيِّمِ (۲۶)

در صورتی که خدای یکتا که جز او هیچ خدایی نیست پروردگار عرش با عظمت (و ملک بی نهایت) است (و تنها سزاوار پرستش اوست).

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَادِبِينَ (۲۷)

سلیمان همدرد را گفت: باید تحقیق کنیم تا صدق و کذب سخنت را دریابیم.

أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَأَنْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (۲۸)

اینک نامه مرا ببر و به سوی آنان بیفکن و از نزد آن‌ها باز سو آن کتابم را تا پاسخی چه می دهند.

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِلَىٰ آلِي كِتَابِ كَرِيمٍ (۲۹)

(بلقیس رو به رجال دربارش کرد و) گفت: ای رجال کشور، نامه‌ی بزرگی به من

رسیده است.

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳۰)

که آن نامه از جانب سلیمان و عنوانش به نام خدای بخشنده مهربان است.

أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۱)

(و بعد چنین نگاشته) که بر من برتری مجوید و تسلیم امر من شوید

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (۳۲)

آن گاه گفت: ای رجال کشور، شما به کار من رأی دهید که من تا کنون بی حضور

شما به هیچ کار تصمیم نگرفته‌ام.

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا

تَأْمُرِينَ (۳۳)

رجال ملک به او اظهار داشتند که ما دارای نیروی کامل و مردان جنگجوی

مقتدری هستیم، لیکن اختیار با شماست. فکر روشن چه دستور فرمای.

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ

يَفْعَلُونَ (۳۴)

بلقیس گفت: پادشاهان چون به دیاری حمله آرند آن کشور را ویران سازند و

عزیزترین اشخاص مملکت را ذلیل‌ترین افراد گیرند و رسم و سیاستشان بر این کار

خواهد بود.

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (۳۵)

و (صلاح این است که) حال من هدیه‌ای بر آنان بفرستم تا ببینم فرستادگانم از

جانب سلیمان پاسخ چگونه باز می‌آرند.

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُونَنِي بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ

بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (۳۶)

چون فرستاده‌ی بلقیس حضور سلیمان رسید (به هدیه‌ی او اعتنایی نکرد) گفت: شما خواهید که مرا به مال دنیا مدد کنید؟ آنچه خدا به من (از ملک و مال بی‌شمار) عطا فرموده بسیار بهتر از این مختصر هدیه شماست که به شما داده، بلکه شما مردم دنیا خود بدین هدایا شاد می‌شوید.

از جَعِ الْاٰیْمَمِ فَلَمَّا تَيَسَّنَهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا اَذَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ (۳۷)

ای فرستاده‌ی بلقیس! (با هدایا) به سوی آنان باز شو که ما با لشکری بی‌شمار که هیچ با آن مقابله نتواند کرد بر آنها خواهیم آمد و آنها را با ذلت و خواری از آن ملک بیرون می‌کنیم (مگر آن که به دین توحید و خداپرستی بگردند).

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ ائْتِكُمْ بِالْحَقِّ وَقَدْ كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ ائْتِكُمْ بِالْحَقِّ وَقَدْ كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۸)

آن‌گاه سلیمان گفت: ای بزرگان دنیا، کدام یک از شما تخت بلقیس را پیش از آن‌که تسلیم امر من شوند خواهد آورد؟ (تا چون اعجاز مرا مشاهده کند از روی ایمان تسلیم شود).

قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنَّ اَنَا اَتِيكَ بِهِ قَبْلَ اَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَاِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ اٰمِيْنٌ (۳۹)

از آن میان (عفریتی از جن گفت: من پیش از آن‌که تو از جایگاه (تصاویر) خود برخیزی آن را به حضورت آورم و من بر آوردن تخت او قادر و امینم).

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ اَنَا اَتِيكَ بِهِ قَبْلَ اَنْ يَرْتَدَّ اِلَيْكَ ظَرْفَكَ فَلَمَّا رَاَهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي اَّاَسْكُرُ اَمْ اَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَاِنَّمَا

يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۴۰)

آن کس که به علمی از کتاب الهی دانا بود (یعنی آصف بن برخیا یا خضر که دارای اسم اعظم و علم غیب بود) گفت که من پیش از آن که چشم بر هم زنی تخت را بدن جا آرم (و همان دم حاضر نمود)، چون سلیمان سریر را نزد خود مشاهده کرد گفت: این توانایی از فضل خدای من است تا مرا بیازماید که (نعمتش را) شکر می‌گویم یا کفران می‌کنم، و هر که شکر کند شکر به نفع خویش کرده و هر که کفران کند همانا خدا (از شکر خلق) بی‌نیاز و (بر کافر هم به لطف عمیم) کریم است.

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (۴۱)

آن گاه سلیمان گفت: تخت او را (به تغییر شکل و هیأت) بر او ناشناس گردانید تا بنگریم که وی سریر خود را خواهد شناخت یا نه.

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَسَىٰ أَلَّا كَأَنَّهُ هُوَ وَأَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (۴۲)

هنگامی که بلقیس آمد از او پرسیدند که عرش تو چنین است؟ وی گفت: گویا همین است و ما از این پیش بدین امور دانا و تسلیم (امر خدا) بودیم.

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ (۴۳)

و او را پرستش غیر خدا (مانند آفتاب و سایر اجرام علوی، از خدا پرستی) باز داشته و از فرقه‌ی کافران مشرک به شمار بود.

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا فَإِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۴)

آن‌گاه او را گفتند که در ساحت این قصر داخل شو، وی چون کوشک را مشاهده کرد (از فرط صفا و تالو) پنداشت که لجه‌ی آبی است و جامه از ساق‌های پا برگرفت، سلیمان گفت: این قصری است از آبدینه صاف، بلقیس گفت: بار الها، من سخت بر نفس خویش شکم کردم و اینک با (رسول تو) سلیمان تسلیم فرمان یکتا پروردگار عالمیان گردیدم.

پرسشهای تفسیری و شبهات مربوط به داستان سلیمان و ملکه سبا

درباره موضوع مورد بحث اولاً باید مفاد آیات قصه سلیمان و بلقیس روشن شود و ثانیاً باید معنای آیات در رابطه با عنوان «نقش حکمت و سیاست سلیمان نبی و ملکه سبا در پیشگیری از وقوع جنگی ویرانگر به استناد آیات قرآن» تبیین گردد و ثالثاً با روشن شدن مفاد داستان، باید به شبهات موجود در رابطه با این قصه قرآنی پاسخ داده شود. این پرسشها و شبهات که در حول و حوش موضوع هستند، عبارتند از:

۱- آیا عظمت و شکوه تاج و تخت و کاخهای سلیمان نبی سبب تسلیم بلقیس شد؟

۲- شیوه حکومتداری بلقیس و نحوه برخورد وی با تهدید دشمن چگونه بود؟

۳- آیا ملکه سبا برای حفظ تاج و تخت خود روی به مذاکره با سلیمان آورد؟

۴- چرا سلیمان که ابتدا قوم سبا را تهدید به جنگ کرده بود از عملی کردن تهدید خود منصرف شد؟

۵- آیا تخریب و قتل و غارت فقط از سوی حاکمان ظالم است یا از

تبعات هر جنگی است؟

۶- ویژگیها و شیوه بلقیس در برخورد با سلیمان چه بود؟

۷- سلیمان نبی بعنوان پیامبر از چه معجزه ای برای ایمان آوردن بلقیس و

قومش استفاده کرد؟

۸- آیا سلیمان قوم سبا را بین جنگ و ایمان مخیر ساخت یا خواستار

تسلیم آنان شد؟

۹- آیا سلیمان نبی به سرزمین و ملکه سبا علم نداشت و توسط هدهد

اطلاع یافت؟

۱۰- چرا بلقیس خرد، نامه سلیمان را کریم خواند؟

۱۱- چرا سلیمان نبی از خداوند، قدرت و ملک و سلطنت عظیم درخواست

می کند؟

در این مقاله اساس بررسی و تحلیل داستان سلیمان و ملکه سبا واقعی و حقیقی بودن آن است که اغلب مفسران قرآن نیز بر همین عقیده اند البته مفاد آیات نیز با عقل و شرع سازگاری دارد لذا جای تأویل و حمل بر غیر ظاهر باقی نمی گذارد. بنابر این ما بر این باوریم که قصه سلیمان و ملکه سبا با همان کیفیتی که قرآن آورده در عالم واقع رخ داده و ما بنابر تفسیرهای متفاوت که در تفسیر المیزان ذکر شده موضوع «نقش حکمت و سیاست سلیمان نبی و ملکه سبا در پیشگیری از وقوع جنگی ویرانگر به استناد آیات قرآن» را در این چاچوب بررسی می کنیم.^۱

۱. مقاله «داستان سلیمان و بلقیس و استناد به آن در جهاد ابتدایی»